



## روز انتشار ایمان

گفت: سلام بر شما باد ، همانطور که پدر مرا فرستاد من نیز شما را می فرستم" (انجیل یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۱). طبق کتاب «کارهای رسولان» کلیسای مقدس رسالت خود را جهت انتشار ایمان بین ملتها روز پنتیکاست آغاز نمود ، یعنی روزیکه روح القدس بر شاگردان نازل شد (رجوع شود به باب ۲ کارهای رسولان).

همزمان آغاز شدن فعالیت تبشیری کلیسا با نزول روح القدس بر آن ، شامل پیامی بسیار ارزنده است ، چون کلیسا عبارت است از جماعت ایماندارانی که توسط روح القدس شکل گرفته و برای اعلام مژده نجاتبخش عیسی مسیح را بسوی همه ملتها فرستاده شده است . بدون روح القدس کلیسا جسمی است بی جان ، با او جماعتی است زنده و شاهد. کلیسا زیر هدایت و راهنمایی روح القدس همان طریقی طی می کند که عیسی سرور و نجات دهنده آن طی کرد. یعنی طریق دعا ، فقر ، خدمت، فروتنی ، امید و شادی و از خود گذشتگی تا مرگ ، یکی از مهمترین شاخصهای رسالت تبشیری کلیسا در طول دو هزار سال گذشته ، داشتن تعداد زیادی از شهیدانی است که جهت انتشار ایمان مسیحی و رساندن مژده انجیل به ملتهای گوناگون حاضر شدند با شجاعتی کم نظیر و با تحمل رنجهای وصف ناپذیر زندگی خود را قربانی این هدف بسیار مقدس بکنند.

دوستان عزیز: «روز انتشار ایمان» برخی از سئوالات مهم را برای ما مطرح می کند ، از قبیل : تا چه حدی از رسالت نسبت به انتشار ایمان و دادن شهادت آگاهیم ؟ چه برداشتی از ایمان و ایماندار بودن می کنم ؟ آیا داشتن

دوستان گرامی ، هر سال یک روز از روزهای ماه اکتبر (مهر ماه) که امسال مصادف با روز یکشنبه ۲۳ مهر می باشد جهت دعا برای انتشار ایمان اختصاص داده شده است . بدینوسیله کلیسای مقدس ، مادر و آموزگار ما ، می خواهد توجه ما را بدین امر بسیار مهم جلب نماید. چنانکه می دانیم ، مأموریت خداوند ما عیسی مسیح با مرگ و رستاخیزش به اتمام رسید ، ایشان فیض نجات و زندگی جاودانی را به همه مردم ارزانی داشت ، و آخرین درخواست او از شاگردانش این بود: "بروید و همه ملتها را شاگرد من سازید و آنها را بنام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام ، انجام دهند و بدانید که من هر روزه تا آخر زمان با شما هستم" (انجیل متی باب ۲۸ آیه ۱۹-۲۰). و در کتاب اعمال رسولان می خوانیم : "اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دور افتاده ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود" (باب ۱ آیه ۸).

پولس رسول نیز درباره انتشار ایمان اینطور می گوید: "اگر من بشارت دهم نمی توانم فخر کنم ، زیرا که ناگزیرم، وای بر من اگر بشارت ندهم" (رساله اول به قرنتیان باب ۹ آیه ۱۶).

از متون فوق می شود این نتیجه گیری را کرد: "انتشار ایمان و رساندن مژده انجیل مقدس به همه ملتهای جهان در رأس فعالیتهای کلیسا قرار دارد". در ضمن باید بدانیم که رسالت تبشیری کلیسا از خود رسالت عیسی نشأت گرفته و امتدادی است برای آن. "عیسی به شاگردان

ایمان تغییرات مثبتی را در زندگی ام ایجاد می کند؟ آیا جهت رشد و تقویت ایمانم سعی می نمایم و تلاش می کنم؟ آیا از دعای روزانه برای بارور ساختن ایمان خود استفاده می کنم؟

«روز انتشار ایمان» به ما یادآوری می کند که خدا ما را برگزید تا اینکه فرزندان او باشیم و طبق خواسته او زندگی کنیم. عیسی به ما فرمود، وقتی که دعا می خوانید بگویید: «ای پدر ما که در آسمانی» و این بزرگترین فیض ایمان است که بتوانیم با اطمینان کامل خدا را به عنوان پدر خود بشناسیم، یعنی اینکه رابطه ما با او، رابطه فرزند با پدر و نه برده با ارباب باشد. همچنین از راه ایمان است که این باور عمیق در درون ما ایجاد شد که خدا محبت است و محبت او توسط پسر محبوبش عیسی مسیح بر ما افاضه گردید. در نهایت میشود گفت که ایمان عبارت است از یک تجربه روحانی که فیض زندگی کردن در اتحاد با خدا از اکنون به ما عطا می نماید. اضافه بر این «روز انتشار ایمان» این آگاهی را به می رساند، که یکی از مسئولیتهای سنگین ما بعنوان ایمانداران مسیحی، انتقال دادن فیض نجاتبخش ایمان به کسانی که هنوز از آن برخوردار نیستند می باشد. چون یقیناً و عمیقاً ایمان داریم به اینکه خداوند ما عیسی مسیح با مرگ و رستاخیزش راه نجات ابدی و زندگی جاودان را برای عموم مردم فراهم ساخت. بنابراین یک ایماندار مسیحی که می خواهد ایمان خود را تنها برای خودش نگه دارد و جهت انتشار آن کوشش نمی کند، آنرا از دست خواهد داد و هیچ نفعی برای او نخواهد داشت. ایمان مسیحی یک ملک شخصی و فردی نیست، لیکن امانتی است از طرف خدا که باید در راه بهرمنند کردن دیگران از آن بکار برده شود. زیباترین ثمره ایمان شهادت زندگی است. ایمانی که به شهادت زندگی منجر نمی شود باطل و مرده است. در این باره گوش دهیم به سرور و نجات دهنده ما عیسی مسیح که می فرماید: "شما نور جان هستید، نمی توان شهری را که بر کوهی بنا شده است، پنهان کرد. هیچ کس چراغ روشن نمی کند که آنرا زیر سرپوش بگذارد، بلکه آنرا بر چراغ پایه قرار میدهد تا به تمام ساکنان خانه نور دهد. نور شما

نیز باید همینطور د برابر مردم بتابد تا کارهای نیک شما را ببینند و پدر آسمانی شما را ستایش نمایند" (انجیل متی باب ۵ آیه ۱۴-۱۶).

خوب است متذکر شویم که زندگی مسیحیان اولیه بر سه محور اصلی استوار بود: ۱- دعای دسته جمعی. ۲- شرکت در نماز قربانی مقدس. ۳- تقسیم دارائی خود نسبت به احتیاج هر کس (رجوع شود کارهای رسولان باب ۲ آیه ۴۳-۴۷).

از این راه نیاکان ما سعی نمودند تا در انتشار ایمان بین مردم آن زمان فعال و متعهد باشند. از روح القدس بخواهیم تا ما نیز مسیحیان امروز از آنها پیروی کرده و باعث جلال و ستایش خدای ما باشیم. آمین

### خدمتگزار شما

### رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



## "بودن و نمایان نشدن"

## «آموختن هنر زیستن

## اساسی ترین و مشکل ترین است»

تا چند سال پیش نام وی ناشناخته بود ، اما پس از ترجمه آثارش در میان آنانی قرار گرفت که نه فقط از طریق آثارشان بلکه با نحوه زندگیشان پایه گذاران فلسفه هزاره سوم شدند.

پاول فلورنسکی در فوریه سال ۱۹۳۷ روزی از تبعیدگاهش نامه ای خطاب به همسرش نوشت و گفت: «پُر واضح است که جهان به شکلی درآمده که بدون درد و عذاب نمی توان چیزی به آن بخشید و به اندازه ای که هدیه و ارمغان ما برایش بلاعوض و صمیمانه باشد به همان اندازه جوابش پر درد است. این قانون زندگی و حقیقت آن است.» در همان سال یعنی هشتم دسامبر ۱۹۳۷ در سن ۵۵ سالگی درگذشت.

وی در روز نهم ژانویه ۱۸۸۲ در یکی از شهرهای آذربایجان روسیه آن زمان متولد شد. سال ۱۹۰۰ برای تحصیلات دانشگاهی به مسکو رفت و در رشته فیزیک و ریاضی ، لیسانس گرفت. عضو آکادمی ریاضی مسکو شد. کرسی ریاضی را رها کرد و در رشته الهیات ثبت نام نمود. عمیق ترین و زیباترین نوشته های روحانی وی متعلق به همین سالها می باشد. پس از پایان تحصیلاتش در رشته الهیات با آن ماریا جاپینتوا ازدواج می کند و سپس کشیش کلیسای ارتدوکس می گردد. استاد فلسفه می شود و بخصوص به مبحث "تاریخ ایده ها" می پردازد. در عین حال به اعماق موضوع "نامحدود" (اُمگا) در منطق نمادها و ریاضیات فرو می رود. چنانکه نَتَلینو والتینی درباره پاول فلورنسکی می گوید: وی را می توان بعنوان پرچم دار یک مکتب نوین فکری که استحکام بخش یک رابطه بارور و خلاق بین فلسفه و الهیات می باشد ، دانست. منابع این مکتب یکی سنت پر غنای کلیسای ارتدوکس و دوم جدیدترین و عمیق ترین تغییر و تحولات در اندیشه علمی همزمانش می باشد. ناگفته نماند که در ایام تبعیدش در سرزمین "یخ بسته" پس از مطالعات بسیار به کشفیات مهمی در باب مایعات ضد یخ دست یافت.

همسر و سه فرزند کوچکترش در خلال تابستان ۱۹۳۴ به او می پیوندند و این آخرین ملاقاتشان بود.

پاول فلورنسکی ، علیرغم زندگی سخت و پر درد و رنجش ، سعی داشت تا هیچ چیزی رسیدن به دو منظور حیاتش را به تعویق نیاندازد: پیرو از ندای الهی درونش و وقف بلاعوض خویش در راه سایرین با یقین به اینکه "خوبی" را می توان در طول زمان بنا کرد و تاریخ واقعی انسان را با آن ساخت. در نامه دیگری به همسرش چنین می نویسد:

«زندگی به سرعت مثل یک رویا پرواز می کند ، چنانکه در پُری لحظتاش قادر به انجام هیچ کاری نمی شوی. به همین دلیل آموختن هنر زیستن اساسی است ، زیرا مشکل ترین و مهم ترین هنرهاست: باید بتوان هر لحظه آن را در نهایت آگاهی با عصاره ای پر کرد ، زیرا هرگز آن ثانیه باز نمی گردد.»

با وجود اینکه از فرزندانش بسیار دور بود و همین اسباب درد و رنج بی انتهایش می شد ، اما از تربیت ایشان دست بر نمی داشت: «بودن و نمایان نشدن (به نمایش نگذاشتن خود) ، صاف و شفاف زیستن ، پرورش فکر و اندیشه در نهایت توجه و هوشیاری بدون در نظر گرفتن منافع شخصی اینها اساس حیات انسان است. هرگز کاری را در حالت بی نظمی فکر و رفتاری انجام ندهید ، هیچ وقت بطور تقریبی کاری را انجام ندهید ، اگر متقاعد به انجام کاری نیستید ، دست به آن نزنید ، اگر کاری برایتان ارزش و لذتی ندارد آن را انجام ندهید. یادتان باشد که در "تقریبی کار کردن" می توان زندگی را هم از دست داد.»

در وصیت نامه اش چنین آمده است:

«به ستارگان بیشتر نگاه کنید. مخصوصاً وقتی چیزی بر شما سنگینی می کند ، به افق و به ستارگان آسمان نگاه کنید. وقتی غمگین می شوید ، وقتی به شما توهین می کنند ، وقتی کاری از شما ساخته نیست ، وقتی طوفانی در وجودتان برخاسته- از خانه خارج شوید ، تنها در هوای آزاد قدم بزنید و به آسمان نگاه کنید آنوقت روح شما آرامش خواهد یافت.»

و در ادامه وصیت نامه اش چنین خواسته است:

«عزیزانم ، خواهش می کنم ، وقتی موعد دفن من می رسد ، قبل از آن حتماً قربانی مقدس گرفته باشید ، اگر برای کسی از میان شما ممکن نبوده باشد ، حتماً این کار را در روزهای بعد و نه خیلی دور انجام دهد.

برای من غمگین نشوید ، خواهش می کنم.

اگر شما شاد و قوی بمانید ، اینطور به من آرامش خواهید داد. من با شما خواهم ماند و اگر خداوند به من اجازه دهد نزد شما خواهم آمد و از شما مراقبت و حمایت خواهم کرد.

مهم ترین کاری که از شما می خواهم این است که به یاد خدا باشید ، و با او زندگی کنید ، خواهش می کنم این را هیچوقت فراموش نکنید.

دنبال قدرت نروید ، و نه ثروت و یافتن مسندی اینها برای ما نیست . بدانید که در هر حال هر کدام از اینها در حد مناسبی در زندگی هر شخصی هستند.

عزیزانم همیشه در زندگیتان نسبت به دیگران دقت و توجه داشته باشید و نیکی کنید.

اصلاً لازم نیست مال و اموالتان را به دیگران ببخشید ، یا همیشه در حال تشویق دیگران و یا نصیحت کردن باشید ، نه! آنچه مهم است هوشیار بودن نسبت به نیازمندی است که خدا آنها را بسوی شما فرستاده است. نسبت به رفع نیاز ایشان دقیق و سریع عمل کنید.

هرگاه دچار مشکلات شوید به خدا پناه ببرید و به مردان خدا مراجعه کنید ، بدانید که او هرگز شما را تنها نخواهد گذاشت.

گاهی که هرگز نمی خواهم دچارش شوید "حسادت" است.

عزیزانم ، نسبت به هیچ کس حسادت نکنید ، چون حسادت روح انسان را آلوده کرده در انسان متانت را از بین می برد. اگر واقعاً آرزویی دارید آن را به خدا بگوئید و از او بخواهید تا هدایتتان کند ، اما به کسی حسادت نورزید.

تنگ نظری ، حساست ، بدگویی ، بدخواستن ، حيله و ریا ... اینها همه از حسادت می آیند.

باز هم خواهش دارم: کسی را قضاوت نکنید ، کسی را محکوم نکنید ، مخصوصاً اگر از شما بزرگتر باشد. بدگویی نکنید بلکه سعی کنید ، گناه دیگران را ببوشانید.

به خودتان بگوئید: من کی هستم که دیگری را قضاوت کنم؟! مگر از درون آنها خبر دارم که بتوانم نسبت به اعمالشان قضاوت کنم. قضاوت کردن ، گاهی حاصل حسادت است و بدی را انتشار می دهد.

برای هر کسی احترام قائل باشید ، اما نه چاپلوسی کنید و نه بیخود خودتان را تحقیر کنید ، و اگر خدا کاری را به شما نسپرده ، خودتان را دخالت ندهید. سرگرم انجام وظیفه تان باشید و آن را به بهترین وجه انجام دهید.

سعی کنید کاری که انجام می دهید ، کامل و بی عیب باشد. در رفتارتان دقیق و منظم باشید ، اگر کاری از نظر شما درست نیست ، انجامش ندهید. در حین کار زمخت و بداخلاق نباشید.

اگر در گفتار و رفتارتان "تقریبی" باشید: هم کارتان نا مرتب خواهد بود و هم رفتارتان بی ادبانه ؛ و به جایی خواهد رسید که افکار شما هم شلوغ و بی نظم خواهند شد.

به خود اجازه ندهید تا با جسارت و بی ادبی حتی فکر کنید. فکر و اندیشه ، عطیه گرانبهای الهی است و باید از آن در نهایت دقت و هوشیار مراقبت کرد.

آنکه در افکارش دقیق و شفاف باشد ، انسانی است وارسته و اندیشه اش مایه شادی خود اوست.»

## چگونه به یکدیگر محبت کنیم

محبت شالوده اصلی مسیحیت است. با نگاهی دقیق به اساس محبت، می توان دریافت که آنچه بین تمدن و توحش فاصله ایجاد میکند در واقع همان محبت کردن است. در حقیقت (قدرت ابراز محبت) قدرتی است که به انسانها عطا گردیده تا به کمک آن نه تنها بتوانیم جوامع خود را بنا کنیم بلکه منزلت شخصی خود را نیز بالا برده و خود را شایسته پادشاهی خداوند گردانیم. اما چگونه باید محبت کرد؟ به چه کسانی باید محبت کنیم؟ در چه زمانی محبت خود را بروز دهیم؟ ..... این پرسشها و امثال آنها به نظر ساده می آیند اما دانستن پاسخ دقیق آنها امری بسیار مهم و جدی است، چرا که خوشبختی ما و سهیم شدنمان در پادشاهی خداوند در گروهی بکار بستن قدرت محبت است. در رابطه با سؤال اول که «چگونه باید محبت کرد» پاسخ مفید و مختصر این است: "با دیگران همانطور رفتار کنید که می خواهید آنها با شما رفتار کنند ...." (متی ۷:۱۲) حتماً این جمله را بارها شنیده و خوانده اید. اما آیا همیشه بر اساس این بینش رفتار می کنید؟ معمولاً تا زمانی که پای اعضای خانواده مان در میان است همه سعی خود را بکار می گیریم، تلاش می کنیم بایکدیگر رفتار صمیمی و دوستانه ای داشته باشیم، از اشتباهات یکدیگر چشم پوشی می کنیم و تا جایی که از دستمان برآید به یکدیگر کمک می کنیم. اما وقتی صحبت فراتر از چند تن اعضای خانواده است چه؟ وقتی در ترافیک سنگین شهریا حیاط کلیسا یا صف نانوايي هستیم چه؟ آیا باز هم یادمان هست که به عنوان یک انسان مسیحی در همه شرایط باید به یکدیگر احترام بگذاریم یا مدام در فکر پیش رفتن کار خود هستیم؟ اینجا لازم می دانم نکته مهمی را جهت یادآوری ذکر کنم. مهم نیست در اقلیت باشیم یا در اکثریت، مهم این است که همیشه رفتاری شایسته

یک فرد مسیحی داشته باشیم. اگر می خواهید به دیگران محبت کنید، لازم است به حقوق افراد احترام بگذارید حتی آنهایی که حقوق شما را نادیده می گیرند. مطمئن باشید قدرت نیکی بسیار بیشتر از قدرت شر و بدی است. تا می توانید به همه احترام بگذارید و همیشه لبخند بر لب داشته باشید. تبسم بهترین و زیباترین و ساده ترین راه محبت کردن است. بسیار به ندرت پیش می آید که از کسی پاسخ لبخندتان را با تبسمی شیرین و پر مهر دریافت نکنید. از دیدگاه روانشناسی، تبسم دارای قدرت بسیاری در روابط انسانها است. پس از این موهبت و لطف خداوند بیشترین بهره را ببرید. دایره انسانهایی را که به آنها ادای احترام می کنید هر روز بزرگ و بزرگتر کنید. برای اینکه جای هیچ شک و شبهه ای باقی نمانده باشد خداوند عیسی مسیح میفرماید: "دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که به شما آزار می رسانند دعا کنید." (متی ۵:۴۴) پس هیچکس را از قلم نیندازید و برای محبت کردن و احترام گذاشتن پیش قدم باشید. راهنمای دیگری که در کتاب انجیل به ما عطا شده، این است: "با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید" (فیلیپیان ۲:۳) و ضمناً بر این مورد تأکید شده است که یکدیگر را مورد قضاوت قرار ندهیم. رعایت همین دو نکته کافی است تا تبدیل به انسانی شوید که همواره دیگران را مورد لطف خود قرار می دهد. ناگفته پیداست که رفتار چنین فردی شهادت خوبی برای همه به ویژه بی ایمانان است. با رعایت و بکار بستن این نکات نه تنها می توانیم دوستان فراوانی داشته باشیم و با یکدیگر آداب محبت کردن را در جامعه اشاعه دهیم و بانی پیشرفت و ترقی فکری و فرهنگی اجتماع خود باشیم، بلکه میتوانیم دروازه های ملکوت خدا را به سوی خود بگشاییم و از برکات و نعمات بی پایان او تا ابدالابد بهره مند گردیم. آمین

روزی روزگاری پسرک فقیری برای گذران زندگی و تأمین مخارج تحصیلش دستفروشی می کرد. از این خانه به آن خانه می رفت تا شاید بتواند پولی بدست آورد.

روزی متوجه شد که تنها یک سکه ۱۰ سنتی برایش باقیمانده است و این در حالی بود که شدیداً احساس گرسنگی می کرد.

تصمیم گرفت از خانه ای مقداری غذا تقاضا کند.

درب خانه ای را زد و بطور اتفاقی دختر جوان و زیبایی در را باز کرد.

پسرک با دیدن چهره زیبای دختر دستپاچه شد و به جای غذا ، یک لیوان آب درخواست کرد. دختر که متوجه گرسنگی شدید پسرک شده بود به جای آب برایش یک لیوان بزرگ شیر آورد. پسر با تُمأنینه و آهستگی شیر را سرکشید و گفت: «چقدر باید به شما پردازم؟»

دختر پاسخ داد: «چیزی نباید پردازی ، مادر به ما آموخته که نیکی ما به دیگران ازایی ندارد» پسرک گفت: «پس من از صمیم قلب از شما سپاسگذاری می کنم.»

سال ها بعد دختر جوان به شدت بیمار شد. پزشکان محلی از درمان بیماری او اظهار عجز نمودند و او را برای ادامه معالجات به شهر فرستادند تا در بیمارستانی مجهز ، متخصصین نسبت به درمان او اقدام کنند.

دکتر هوارد کلی ، جهت بررسی وضعیت بیمار و ارائه مشاوره فراخوانده شد. هنگامی که متوجه شد بیمارش از چه شهری به آنجا آمده برق عجیبی در چشمانش درخشید. بلافاصله بلند شد و به سرعت به طرف اطاق بیمار حرکت کرد. لباس پزشکی اش را بر تن کرد و برای دیدن مریضش وارد اطاق شد. در اولین نگاه او را شناخت سپس به اطاق مشاوره بازگشت تا هر چه زودتر برای نجات جان بیمارش اقدام کند. از آن روز به بعد زن را مورد توجهات خاص خود قرار داد و سرانجام پس از یک تلاش طولانی علیه بیماری ، پیروزی از آن دکتر کلی گردید. آخرین روز بستری شدن زن در بیمارستان بود. به درخواست دکتر هزینه درمان زن جهت تأیید نزد او برده شد. گوشه صورتحساب چیزی نوشت. آن را درون پاکتی گذاشت و برای زن ارسال نمود. زن از باز کردن پاکت و دیدن مبلغ صورتحساب واهمه داشت. مطمئن بود که باید تمام عمر را بدهکار باشد. سرانجام تصمیم گرفت و پاکت را باز کرد. چیزی توجه اش را جلب کرد. چند کلمه ای روی قبض نوشته شده بود. آهسته آن را خواند: «... بهای این صورتحساب قبلاً با یک لیوان شیر پرداخت شده است»

## کارهای نیک

۱۰- به خاطر داشته باش که گاه سکوت بهترین پاسخ است.

۱۱- شرافتمندانه ؛ تا هرگاه بیش تر عمر کردی ، با یادآوری زندگی خویش دوباره شادی را تجربه کنی.

۱۲- زیر ساخت زندگی شما ، وجود جوی از محبت و عشق در محیط خانه و خانواده است.

۱۳- در مواقعی که با محبوب خویش ماجرا می کنی و از او گلّه داری ، تنها به موضوعات کنونی پرداز و سراغی از گلایه های قدیم نگیر.

۱۴- دانش خود را با دیگران در میان بگذار. این تنها راه جاودانگی است.

۱۵- با دنیا و زندگی زمینی بر سر مهر باش.

۱۶- سالی یک بار به جایی برو که تاکنون هرگز نرفته ای.

۱۷- بدان که بهترین ارتباط ، آن است که عشق شما به هم ، از نیاز شما به هم سبقت گیرد.

۱۸- وقتی می خواهی موفقیت خود را ارزیابی کنی ، بین چه چیز را از دست داده ای که چنین موفقیتی را به دست آورده ای.

۱۹- در عشق و آشپزی ، جسورانه دل را به دریا بزن.

۱- به خاطر داشته باش که

عشق های سترگ و دستاوردهای عظیم ، به خطر کردن ها و ریسک های بزرگ محتاج اند.

۲- وقتی چیزی را از دست دادی ، درس گرفتن از آن را از دست نده.

۳- این سه میم را از همواره دنبال کن:

\* محبت و احترام به خود را

\* محبت به همگان را

\* مسئولیت پذیری در برابر کارهایی که کرده ای

۴- به خاطر داشته باش دست نیافتن به آنچه می جویی ، گاه اقبالی بزرگ است.

۵- اگر می خواهی قواعد بازی را عوض کنی ، نخست قواعد را فرا بگیر.

۶- به خاطر یک مشاجره ی کوچک ، ارتباط بزرگ را از دست نده.

۷- وقتی دانستی که خطایی مرتکب شده ای ، گام هایی را پیاپی برای جبران آن خطا بردار.

۸- بخشی از هر روز خود را به تنهایی گذران.

۹- چشمان خود را نسبت به تغییرات بگشا ، اما ارزش های خود را به سادگی در برابر آنها فرو مگذار.

## اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۹ مهر ۹۶ = ۱ اکتبر ۲۰۱۷، یکشنبه اول صلیب.  
عهد عتیق: اشعیاء فصل ۳۳ آیه ۱۳-۲۴  
رساله: فیلیپیان فصل ۱ آیه ۲۷ الی فصل ۲ آیه ۱۱  
انجیل: متی فصل ۴ آیه ۱۲ الی فصل ۵ آیه ۱۶
  
- یکشنبه ۱۶ مهر ۹۶ = ۸ اکتبر ۲۰۱۷، یکشنبه دوم صلیب  
عهد عتیق: اشعیاء فصل ۲۵ آیه ۱-۸  
رساله: فیلیپیان فصل ۳ آیه ۱-۱۴  
انجیل: متی فصل ۱۷ آیه ۱۴ الی آخر باب
  
- یکشنبه ۲۳ مهر ۹۶ = ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷، یکشنبه سوم صلیب. روز انتشار ایمان  
عهد عتیق: اشعیاء فصل ۲۶ آیه ۱-۱۹  
رساله: فیلیپیان فصل ۴ آیه ۴-۲۳  
انجیل: متی فصل ۱۵ آیه ۲۱-۳۸
  
- یکشنبه ۳۰ مهر ۹۶ = ۲۲ اکتبر ۲۰۱۷، یکشنبه چهارم صلیب  
عهد عتیق: اشعیاء فصل ۳۳ آیه ۱-۱۴  
رساله: اول قرنتیان فصل ۱۴ آیه ۱ الی آخر باب  
انجیل: متی فصل ۱۸ آیه ۱-۱۸
  
- یکشنبه ۷ آبان ۹۶ = ۲۹ اکتبر ۲۰۱۷، یکشنبه اول موسی  
عهد عتیق: اشعیاء فصل ۴۰ آیه ۱-۱۷  
رساله: دوم قرنتیان فصل ۱ آیه ۲۳ الی فصل ۲ آیه ۱۶  
انجیل: متی فصل ۲۰ آیه ۱-۱۶